

حکم واقعی و ظاهری

۱. تعریف حکم واقعی و ظاهری

حکم واقعی: ما لم یؤخذ فی موضوعه الشک

حکم ظاهری: انما اخذ فی موضوعه الشک مانند اصول عملیه و اصاله الحل (اذا شککت فی حلیت شیء فهو لک حلال).....

* مراتب حکم: ۱. ملاک ۲. اراده ۳. اعتبار ۴. تبلیغ و بیان ۵. امثال

سه مورد اول در مقام ثبوت (عنداللهی) است و دو مورد آخر در مقام اثبات (حکم از خدا خارج شده و به دست ما می‌رسد) است.

- ۱) ملاک: تقسیم می‌شود به مصلحت و مفسده که هر کدام از آن، دو به ملزمه و غیر ملزمه تقسیم می‌شوند.
- ۲) اراده: مولا شوق به فعل یا ترک پیدا می‌کند، که در هر صورت این شوق یا ملزمه است یا غیر ملزمه و در این چهار صورت است که احکام تکلفی چهارگانه و جوب حرمت استحباب و کراهت درست می‌شود.
- ۳) اعتبار: یکی از کاربردهایش مشخص کردن حق الطاعه مولاست (خود اعتبار چیست؟)
- ۴) تبلیغ و بیان (فعلیت): یعنی تحقق پیدا کردن موضوع آن حکم مثل بلوغ، عقل، قدرت، استطاعت برای حج.
- ۵) امثال (معذرت و منجزیت): یعنی علم پیدا کردن به مرتبه فعلیت حکم.

* عنصر اعتبار، عنصر ضروری نیست بلکه گاهی ممکن است عصر اعتبار وجود نداشته باشد یعنی خداوند یا به صورت تکوینی حکم را به ما می‌فهماند یعنی یا به صورت تشریحی مستقیم بیان می‌کند و می‌گوید مثلاً: ارید منکم ولا ارید منکم، اما غالب احکام مستقیم بیان نشده و در غالبی ریخته شده و اعتبار شده است مثال.....

* توضیح مقام اعتبار:

الف) مولا در مقام ادراک مصلحت و مفسده می‌بیند فحشاء مفسده دارد.

ب) مولا در مقام اراده، اراده می‌کند که فحشاء انجام نشود، و البته این اراده خود را یا مستقیم بیان می‌کند یا در قالب قانونی می‌ریزد و اعتبار می‌کند.

سوال: آیا این قالب قانونی یا همان اعتبار باید بیانگر اراده مولا باشد؟

جواب: خیر لزوماً لازم نیست بیانگر اراده مولا باشد، بلکه آن حکمی که اعتبار می شود می تواند مقدمه اراده اصلی مولا باشد

توضیح: همچنان که مولا حق الطاعه بر گردن ما دارد، می تواند مرکز و محل این حق الطاعه را خودش مشخص کند مثال:

مولا می بیند فحشا دارای مفسده است (مرحله ادراک)

اراده می کند ترک فحشا را (مرحله اراده)

در مرحله اعتبار حق دارد که مرکز حق الطاعه را مستقیماً روی فحشا نبرد بلکه روی مقدمه ترک فحشا ببرد و مثلاً صلاه را واجب کند (پس می توان فرض کرد که صلاه به خودی خود مورد نظر مولا نبوده، بلکه آنچه مصلحت حقیقی داشته ترک فحشا بوده و به همین جهت خداوند صلاه را واجب کرده، یا مثال دیگر اینکه مولا اراده اتحاد مسلمین را داشته به همین جهت نماز جمعه را که مقدمه اتحاد بوده، واجب کرده است).

* پس یکی از کاربردهای مهم اعتبار مشخص کردن محل حق الطاعه مولاست.

از آنجایی که جزوه در حال ویرایش هست، لطفاً ایرادات احتمالی را حتماً اطلاع بدید

۰۹۱۲۷۵۸۸۶۲۴ @abdorreza۱۲۸ کانال حلقه ۳ halqeh۳